

آشنای غریب

مجتبی سلطانی

وقتی این صفحات را که حاصل صحبت‌های دوستانه جوانان این مرز و بوم است می‌نویسم نمی‌دانم شما که خواننده آن هستید جزو کدام دسته به شمار می‌روید. آنها که نمی‌شناسند؟ آنها که فکر می‌کنند می‌شناسند و یا... اصلاً بگذارید حرف خود آنها را برایتان بازگو کنم: از محمد رزاقی دانش آموز سال چهارم دبیرستان سؤال کردم که ۱۴ خرداد چه روزی است؟

خیلی قرص و محکم در پاسخ گفت: رحلت امام. پرسیدم: از امام چه می‌دانی؟ گفت: خیلی چیزها.

گفت و گوی من و محمد ساعتی به طول انجامید اما تمام دانسته‌های محمد از امام به همین چند نکته خلاصه می‌شد: مرجع تقلید شیعه، روحانی مبارز، تبعید، ۱۲ بهمن، ۲۲ بهمن، ۱۴ خرداد.

در مقایسه با دانسته‌های محمد رزاقی، بهروز و رضا که دانش آموزان سوّم راهنمایی بودند فقط ۱۲ بهمن و ۱۴ خرداد را منسوب به امام می‌دانستند و دیگر هیچ. جالب این‌که این‌ها از بدو تولّد در قم سکونت داشتند اما هیچ چیزی در مورد ۱۹ دی و نامه توهین آمیز روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۷ دی ۵۶ نمی‌دانستند.

چندان هم توقعی نیست. اگر قبول ندارید همین امروز کتاب‌های درسی اوّل ابتدایی تا سوّم راهنمایی را با دقّت ورق بزنید. چقدر مطلب در مورد امام وجود دارد؟ چقدر از این مطالب تحلیلی است؟ چه قدر از زندگی سراسر پیام امام را به تصویر کشیده‌اند؟ شاید دیگر نیازی نباشد که بگویم مهدیه سادات حسینی سوّم ابتدایی است و فقط جملاتی را که پدرش در مورد امام می‌گوید تکرار می‌کند! اینجا هم نقطه ضعف از ماست.

چه مقدار در کتاب‌های درسی، پروین و سهراب، حافظ و سعدی را کودکانه توصیف کردیم، از امام نوشتیم، شاید فکر می‌کنید آنها هم می‌توانند برای شناختن امام به صحیفه نور جلد ۱۴، ۱۵ و... مراجعه کنند.

مشکل همین‌جا خاتمه نمی‌یابد. هادی جعفری، رضا ربّانی و سیدمحمد علوی طلابی هستند که هرگز منشور روحانیت را ندیده‌اند. آنها حتی نمی‌دانند دیدگاه امام در مورد روحانیت چه بوده است.

منیره جعفری، نعیمه امانی و وحیده خاکی امام را بیشتر با غزل «من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم» می‌شناسند. آنها از کاپیتولاسیون و فریاد مبارزه امام چیزی نمی‌دانند. بهترین عکس از امام را عکسی می‌دانند که امام نوه‌اش را در بغل گرفته است. آنها صحنه‌ای را که امام به خاطر مطهری گریست به خاطر ندارند. چه رسد به این‌که دلیل آن را بدانند؟





گوهری، نیری و روحانی بسیجیان جوانی هستند که امام را دوست دارند، اما تاریخ زندگی او را به طور کامل مرور نکرده‌اند. آنها تلخی زهری را که امام هنگام پذیرفتن قطعنامه چشید، مز مزه نکرده‌اند فقط می‌دانند که قطعنامه شماره‌ای داشت: - احتمالاً ۵۹۸.

خانم‌ها موسوی و باقری مشغول به تحصیل در علوم حوزوی، نظرات امام را در مورد مطهرات و نجاسات به خوبی می‌دانند. آنها حتی می‌دانند که امام ماشین مسقف را برای نقل و انتقال حاجیه خانوم‌ها در حال احرام بدون اشکال می‌داند. ولی از برائت و فلسفه آن و پیام امام در حج خونین چیزی نمی‌دانند. البته آنها این را می‌دانند که امام جایگاه ویژه‌ای برای زن در جامعه قائل بود. اما از عمق انقلاب امام که زنان برهنه سال‌های فرهنگی را به مادران و همسران شهید سال‌های آزادی تبدیل کرد، کم اطلاعند. شاید آنها تصمیم دارند پس از گفت‌وگویی که با آنها داشتیم، در مورد امام بیشتر مطالعه کنند. امیدوارم.

راستی یادم رفت بگویم. عده‌ای هم فکر می‌کردند امام را می‌شناسند اما آنها حتی در مورد چیزهایی که می‌دانستند در اشتباه بودند. آنها در مورد رابطه امام با مسئولین، دولت بنی‌صدر و نخست‌وزیری بازرگان چیزهایی می‌گفتند که هیچکدام با اسناد و مدارک موجود یا لااقل با حرف‌هایی که ما پیشتر و از خیلی‌ها شنیده بودیم تطبیق نمی‌کرد.

شاید آنها منافعشان این طور اقتضا می‌کرد که امام را اینجوری تفسیر کنند.

بچه‌های دانشجو که از کلاس شرح وصیت‌نامه امام (که دو واحد درسی برای دانشگاه‌های آزاد است ولی حتی آموزش دانشگاه هم آن را جدی به حساب نمی‌آورد) بیرون می‌آمدند همه خمیازه می‌کشیدند. بچه‌هایی که برای درس بیوشیمی دو هفته نمایشگاه برپا کرده بودند.

آنها حتی یک سخنرانی از امام را که به اهمیت علوم روز اشاره کرده باشد نشنیده‌اند. البته آنها سال‌های گذشته نمایشگاهی را از عکس‌های امام در شهر دیده‌اند. البته نباید گناه را به گردن دیگران انداخت. ابزارهای تبلیغی چه کرده‌اند؟ رسانه‌ها، غول‌های قرن جدید، رادیو، تلویزیون، مطبوعات.

ما چه کرده‌ایم؟

ما که ادعای خدمت به جوان‌ها داریم.

شما چه کرده‌اید؟

شما که جوان هستید و ادعا دارید ذهن جست‌وجوگری دارید.

چند جلد کتاب، چند مقاله یا حتی چند سطر مطلب تحلیلی در مورد امام خوانده‌اید. یا اگر خوانده‌اید، شنیده‌اید، فهمیده‌اید و اکنون خیلی چیزها را می‌دانید چه مقدار به دیگران ناگفته‌ها را منتقل کرده‌اید؟

بیایید از امروز شروع کنیم و نگذاریم تاریخ انقلاب به فراموشی سپرده شود.

سلام به تو ای امام عزیز،
ای آشنای غریب!

